

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

رشته تحصیلی: مهندسی صنایع شیمیایی

گردآوری: سمانه مکوندی

بخش اول :مباحث مقدماتی

فصل اول : انس با قرآن

پیامبر رحمت (ص) همچون پدری مهربان و طبیبی درد آشنا ، مارا به قرآن فرامی خواند و تمسک به این نسخه شفا بخشی را رمز رمیدن از فتنه ها معرفی می کند.

بدین سان تمسک به قرآن دریچه ای از ملکوت بر آدمیان می گشاید و آنان را از دام غفلت ها و اسارت فتنه ها رها کند ، به حق و « بهشت گمشده خویش » رهنمون می سازد.

مراتب انس با قرآن

ایمان به قرآن اصلی ترین بخش از اندیشه و باور دینی هر میلما است. بی شک تجلی این ایمان و عینیت یافتن آن در اندیشه ، سلوک عملی و زندگی فردی و اجتماعی ، در گرو انس ، ارتباط و تعامل با قرآن (پس از ایمان به الهی بودن قرآن) است.

انس و ارتباط با قرآن از مرتبه پائین آغاز می شود و تا مراتب بالا ادامه می یابد. ممکن است بی توجهی ، غفلت ، بی برنامگی و یاموانع دیگر ، انسان را همواره در مرتبه پائین ار انس با قرآن متوقف سازد ، و از این سو شاید توجه ، برنامه ریزی ، تلاش و جدیت نیز انسان مؤمن را به عالی ترین مراتب انس با قرآن برساند. مراتب انس با قرآن را می توان پنج مرتبه دانست ، که به آن می پردازیم:

۱- گوش فرا دادن و نظر کردن به آیات قرآن:

نخستین و عام ترین مرتبه انس و ارتباط با قرآن «استماع» و توجه به آیات آن است . خداوند گوش فرا دادن و سکوت به هنگام تلاوت آیات آسمانی را موجب نزول لطف و رحمت الهی می داند.

امام صادق (ع) می فرماید : هر کس به حرفی از قرآن گوش فرا دهد (. بدون آنکه آنرا قرائت کند) ثوابی برایش نوشته می شود و گناهی از او پاک می گردد . و درجه ای بالا می رود . ارسوی دیگر، نظر کردن به آیات

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

قرآن نیز خود نوعی انس و ارتباط با قرآن به شمار می آید . امام صادق (ع) می فرماید : نگاه کردن در قرآن عبادت است . در روایت دیگری پیامبر (ص) چهار نگاه را عبادت خداوند دانسته است. « نگاه به علی بن ابیطالب ، نظر به والدین همراه بالطف و رحمت ، نظر در قرآن و نظر به کعبه عبادت است ».

۲- تلاوت قرآن :

تلاوت که نوعی ذکر زبانی است مورد تأکید برخی آیات نیز قرار گرفته است . برای مثال ، خداوند در سوره مزمل پس از فرا خواندن پیامبر به شب زنده داری ، او را به تلاوت قرآن در دل شب امر می کند.

امام علی (ع) می فرماید : «کسی که به تلاوت قرآن انس گیرد ، جدایی دوستان او را به وحشت نمی اندازد».

امام صادق (ع) می فرماید: «بر شما باد تلاوت قرآن ؛ زیرا درجات بهشت براساس تعداد آیات قرآن است . روز قیامت که فرا رسد به قاری قرآن گفته می شود بخوان و بالا برو ، پس چون آیه ای بخواند درجه ای بالا می رود».

شایسته است تلاوت قرآن با طهارت ، ترتیل (شمرده شمرده خواندن) و صوت نیکو و حزین باشد . همچنین مستحب است قاری قرآن در آغاز تلاوت (حتی قرائت یک آیه) «واعوذ بالله من الشیطان الرجیم» را بگوید. و باید هنگام تلاوت ، ادب حضور در پیشگاه کتاب خدا را رعایت نمود.

۳- درک معانی و مفاهیم قرآن :

آنان که قادر نیستند صرفاً با تلاوت آیات معانی قرآن را نیز دریابند می باید با ترجمه آیات با مفاهیم اولیه مورد نظر قرآن آشنا شوند . در این مرحله انسان مؤمن با بسیاری از مفاهیم ، پیام ها ، دستورالعمل ها ، نکات اخلاقی و عبادی و داستان های پیامبران و ویژگیهای زندگی دنیوی ، برزخ ، جهان آخرت و بهشت آشنا می شود. مهمترین زمینه های لازم این مرحله آشنایی با زبان و ادبیات عرب و آگاهی از لغات و مفردات الفاظ قرآن کریم است . ز و ورود به مراحل پیشرفته شناخت قرآن نیز به شمار می آید.

۴- تفسیر قرآن:

شناخت جامع و منسجم مفاهیم و پیام های قرآن در گرو تفسیر آن است . در پرتو تفسیر ، ارتباط معنایی بسیاری از آیات آشکار می شود . آگاهی از تفسیر قرآن از نگاه اهل بیت (ع) از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است .

در تفسیر قرآن علاوه بر شناخت واژگان و ترکیب جملات ، فراهم ساختن ابزارهای دیگری از قبیل آگاهی از شأن نزول آیات ، علوم قرآنی ، علوم منطق ، روایات و سنت و برخی از علوم دیگر نیز ضرورت می یابد . در حقیقت تفسیر نوعی تلاش فکری است تا مفسر به وسیله آن پیام ، هدایت ها و طرح جامع قرآن آگاهی یابد .

تفسیر را از آن جهت ارجمندترین علوم دین شمرده اند که از یک سو فرد را به صورت مستقیم با کلام خداوند مرتبط می کند . و سویی دگر ذهن و زندگی انسان را رنگی دیگر میبخشد . و آنان که تخصص و علم تفسیر را ندارند بهتر است که تفسیر های موضوعی مفسران را مطالعه فرمایند .

۵- تدبر در قرآن:

تدبر در آیات قرآن بالاترین نوع انس و ارتباط با قرآن است . تدبر عبور از سطوح اولیه و مفاهیم ظاهری آیات و ورود اندیشمندان به لایه های ژرف برای کشف حقایق پنهانی است . حقایقی که بدون توجه و ژرف اندیشی بر ما آشکار نمی شود . در حقیقت تدبر ، جریانی فکری ، روحی است که از نوعی ارتباط میان عقل و قلب پدید می آید .

امام علی (ع) می فرماید : ژرف اندیشی در قرآن را بهار دل ما دانسته است . « قرآن را بیاموزید که آن زیباترین سخن است و در آن ژرف بیندیشید که بهار دل هاست »

در پرتو تدبر ، قرآن جانی دوباره می گیرد و اسرار نهفته آن آشکار می شود . با تدبر در قرآن است که آدمی در شمار پرهیز گاران قرار می گیرد .

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

امام علی (ع) می فرماید: «آگاه باشید که قرائت قرآن هنگامی که در آن تدبیر نباشد، هیچ خیری ندارد.» شایان ذکر است که تدبیر در قرآن نیز خود درجاتی دارد که بر حسب کمیت و کیفیت تدبیر متفاوت است. جامع ترین و عمیق ترین درجه تدبیر در قرآن همان است که به پیامبر گرامی (ص) و عترت پاکش (ع) اختصاص دارد.

ثمره انس با قرآن

مقام معظم رهبری در این باره می گوید:

انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی تر و عمیق تر می کند، و بدبختی جوامع اسلامی به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. در آیات قرآن، توجه و تنبه و تدبیر نیست، لذا کشورهای اسلامی عقب مانده اند.

فصل دوم: شناخت قرآن

فرض های بنیادین در شناخت قرآن به دودسته تقسیم می شوند:

۱- وحیانی بودن الفاظ قرآن ۲- ابدیت و تغییر

۱- وحیانی بودن الفاظ قرآن

اعتقاد به الهی بودن الفاظ و ساختار ظاهری متن قرآن در میان مومنان از چنان ژرفایی برخوردار است که باعث شده این کتاب آسمانی همواره مورد احترام و بالاتر از هر متن انسانی باشد!

دلایل وحیانی بودن الفاظ قرآن: ۱- قرآن آشکارا خود را سخن خدا معرفی نموده است نسبت دادن سخن به گوینده آن در صورتی منطقی و معقول است که گوینده خود در انتخاب، تنظیم و چینش کلمات و شکل دادن به ساختار و ترکیب جمله ها نقش اصلی را بر عهده داشته باشد ۲- بخش بزرگی از اعجاز قرآن به ساختار ظاهری متن، سبک بدیع و اسلوب منحصر به فرد آن باز می گردد. ۳- آیات بسیاری از قرآن به

روشنی بر وحیانی بودن الفاظ و ساختار متن عربی قرآن دلالت دارند^۴ - . تمایز آشکار ساختار ظاهری متن قرآن با سخنان پیامبر است تمایزی که بر هیچ سخن شناس ژرف کاوی پنهان نبوده و نیست . ۵- معارف و محتوای قرآن از چنان عظمت و ژرفایی برخوردار است که احاطه کامل بر همه آنها و قراردادنشان در قالب الفاظ و عباراتی که آن معارف را برتابند فراتر از توان و قدرت انسان است.

۲- ابدیت و تغییر

قرآن کریم با فرض ثبات محتوا و محدودیت آیات و بدون کوچکترین تغییر کیفی و کمی می تواند با زمان که پیوسته در حرکت و تغییر است همراه گردد اینها بر آمده از باور به جاودانگی قرآن است.

در یک دسته بندی ساده مجموعه آیات قرآن عهده دار بیان معارف و احکام الهی در چهار حوزه روابط انسان با خدا، خودش، طبیعت و انسان است.

اسرار ماندگاری قرآن در بستر زمان به سه دسته تقسیم می شود:

1. ژرفای نامحدود قرآن

2. پیوند قرآن و عترت

3. اجتهاد روشمند در قرآن

۱- ژرفای نامحدود قرآن

ژرفای نامحدود قرآن یکی از ویژگی های ذاتی این کتاب آسمانی به شمار می آید. این ویژگی که در روایات از آن به بطن و بطون یاد شده چنان مورد عنایت و تاکید پیامبر و اهل بیت قرار گرفته که بنا به اظهار جمعی از اندیشمندان دینی روایات بطن از جمله روایات متواتر شمرده می شود . علامه طباطبایی در تعریف ظاهر و بطن می گوید "ظاهر همان معنای ظاهر و ابتدایی است که از آیه به دست می آید و بطن معنای نهفته در زیر

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

ظاهر است چه آن معنی یکی باشد یا بیشتر "... ژرفای نهایت ناپذیر قرآن اولین و اصلی ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است.

۲- پیوند قرآن و عترت

چنان چه ساز و کارهایی به منظور تبیین و تفسیر آیات منظور نگردد قرآن کریم در عین تقدس و عظمت و برخورداری از معارف بسیار اصلی ترین ویژگی خود یعنی هدایتگری و معرفت بخشی را از دست می دهد و بدین رو ورود به عرصه زندگی آدمیان باز می ماند. به منظور تبیین و تفسیر صحیح قرآن نخستین و اصلی ترین ساز و کار پیوند جاودانه و ناگسستنی قرآن و عترت است.

ثمرات پیوند قرآن و عترت: ۱- تبیین و تفسیر صحیح آیات قرآن متناسب با نیازها و مسائل جدید مسلمانان و جامعه. ۲- آموزش شیوه صحیح برای دستیابی ضابطه مند به مفاهیم وحی در غیاب عترت ۳- رهبری سیاسی جامعه اسلامی. ۴- تامین حضور همیشگی انسان کامل به عنوان اسوه نیکو و جلوه جمال حضرت حق در میان آدمیان.

۳- اجتهاد روشمند در قرآن

همانگونه که بیان شد پیوند قرآن و عترت پیوندی مستمر و ناگسستنی است اما نکته آزار دهنده این است که دسترسی به این ساز و کار برای همگان در همه زمان ها و مکان ها مقدور نیست. رهنمودهای پیامبر گرامی و تعالیم اهل بیت ما را به ساز و کار دیگری نیز رهنمون می سازد که آن "اصل اجتهاد" و خردورزی در آیات وحی است. قرآن از این اصل به "تفقه در دین" یاد کرده است.

"تفقه" به این معناست که کسی در طلب چیزی باشد به گونه ای که در آن تمحض و تخصص یابد. از این رو "تفقه در دین" به معنای فراگرفتن دین به صورت خصوصی است.

تاکید قرآن بر "تعقل" و "تفکر" و "تدبر" همگی از اهمیت اجتهاد و خردورزی در حیات جاودانه قرآن حکایت دارد.

فصل سوم : تفسیر قرآن

نزول قرآن همزمان با مبعث پیامبر مانند آب حیات جهان پر از جهالت را بیدار کرد و دریچه ای از معنویت به روی آنها گشود.

با رشد و بلوغ فکری و همچنین نزول قرآن برکات فراوانی نصیب جامعه اسلامی شد.

بدون شک عشق ورزی به قرآن و بهره مندی از آن وابسته به فهم و درک آن است که این موضوع بجز در پرتو تفسیر روشمند میسر نیست.

واژه تفسیر به معنای روشن نمودن / پرده برداشتن و بیان کردن مطرح شده است.

واژه تفسیر در قرآن تنها یک بار و در همین معنی واژگانی اش به کار رفته است.

دانش تفسیر از دیدگاه دانشمندان دینی ، دانشی است که به کمک آن مفاهیم و معارف قرآن آشکار و دستورها و پندهای آن استخراج میگردد.

بنابر این تفسیر نوعی تلاش فکری به منظور بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مفاهیم آنهاست.

دانش تفسیر با نزول اولین آیات آغاز شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافت.

نخستین تفسیر مدون را مجاهد بن جبر یکی از شاگردان ابن عباس نوشت.

شیوه های نگارش تفسر قرآن:

۱- ترتیبی . در این روش مفسر مجموعه آیات را به ترتیب آیه مورد شرح قرار می دهد.

از مهمترین تفاسیر ترتیبی:

مجمع البیان - ابوعلی فضل بن طبرسی

المیزان - علامه سید محمد حسین طباطبایی

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

تفسیر نمونه - آیت ا... ناصر مکارم شیرازی

۲- تفسیر موضوعی : در این روش مفسر ابتدا به جمع آوری مربوط به یک موضوع معین از بین تمامی آیات پرداخته و پس از دسته بندی به شرح و استخراج مقاصد می پردازد.

مهمترین تفاسیر:

تفسیر موضوعی قرآن کریم - آیت ا... عبدا... جوادى املی

منشور جاوید - استاد جعفر سبحانی

پیام قرآن - آیت ا... ناصر مکارم شیرازی

اصلی ترین روشهای تفسیر:

۱- روش تفسیر نقلی : در این روش مفسر در تفسیر هر آیه فقط به نقل آیات دیگر ، روایات ، اقوال و آرای صحابه پیامبر و تابعین میپردازد و از اجتهاد و اظهار نظر مگر به صورت محدود اجتناب می کند.

۲- روش تفسیر اجتهادی : در این روش مفسر بر پایه اندیشه ورزی و استدلال روشمند به کار میپردازد . برخی از مفسران صاحب نام مانند ،

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی - در تفسیر مجمع البیان

ابوعبدا... بن احمد قرطبی - در تفسیر جامع الاحکام القرآن

که با به کار گیری دو شیوه فوق آثار ارزشمند و ماندگاری از خود بر جای نهاده اند.

دلایل نیازمندی قرآن به تفسیر:

قرآن خود را کتاب روشنگر ، نور ، قرآن گویا و به زبان عربی معرفی میکند.

و با این اوصاف قرآن کتاب روشنی بخش است

و شناخت و تحلیل صحیح مفاهیم و محتوای بلند قرآن بدون برخورداری از ابزارهای لازم شناخت برای همه افراد ممکن نیست. تفسیر یکی از اصلی ترین ابزارهای شناخت قرآن است.

تا جایی که خداوند به صراحت مسئولیت تبیین وحی را بخ عهده پیامبر قرار داده است.

برخی از مهمترین ویژگیهای قرآن که نیازمندی به تفسیر را آشکار تر میکند عبارتند از:

۱- بیان اصول و کلیات:

قرآن بسیاری از معارف خود را به صورت قواعد کلی عرضه کرده ، این موضوع از یک سو قرآن را فراتر از مکان و زمان خاص قرار داده و از سوی دیگر راهیابی به فروعات را به تفسیر روشمند وانهاده است.

بطور مثال دستور به اقامه نماز صادر شد ولی کیفیت اقامه به عهده خود پیامبر قرار داده شد.

۲- به کار گیری سبک خاص در بیان مطالب:

قرآن در بیان مطالب سبک ویژه ای دارد.

بدین صورت که مجموعه مطالب مربوط به یک موضوع را در یک آیه یا سوره متمرکز نیاورده بنابر این مطالب

۳- معرفی جهانهای فرا طبیعی:

قرآن ذهن کنجکاو بشر را به موجودات جهان فرا طبیعی و ارتباط میان آنها هدایت میکند و تصویری که از جهان و هستی در جلوی دیدگان انسان قرار میدهد بسیار فرا تر از حواس محدود بشر است، بی شک آگاهی از اینگونه آیات در گرو تشریح روشمند میباشد.مربوط به یک موضوع را بین لابه لای آیات باید جستجو کرد.

۴- ژرفای نامحدود :

قرآن غیر از معارفی که در ظاهر آیات مشاهده میشود پیامهایی را در خود نهفته است که با اندیشه ورزی آشکار می گردد.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

پیامبر گرامی اسلام میفرماید: برای قرآن ظاهری است و باطنی ، و برای باطن آن نیز باطنی دیگر است تا هفت بطن.

تاکید قرآن بر ژرف اندیشی و تدبیر در آیات در حقیقت آگاهی دادن به ژرفای نامحدود این کتاب آسمانی است. اساسی ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر متحول زمان ژرفای نامحدود آن است.

۵- جهان شمولی و ابدیت :

با توجه به جهانی بودن و ابدیت قرآن لازم است که قرآن متناسب با نیازهای معرفتی و معیشتی عصرها و نسل ها تفسیری نوین بیابد تا بسیاری از زوایای جدید زندگی بشر از پرتو قرآن محروم نماند.

۶- فصاحت و بلاغت :

اگرچه قرآن به زبان عربی عرضه شده ولیکن به گونه ای در چینش کلمات دقت شده که بالاترین سطح فصاحت و بلاغت قرار میگیرد.

زبان عرب که انواع اشاره ها ، تشبیه ها ، و رمزها را در خود دارد اگر وسیله انتقال معارف ناب قرار گیرد به اوج فصاحت میرسد.

۷- اشاره ها و نشانه ها :

با آنکه قرآن پیامهای هدایت بخش خود را به صراحت بیان کرده ولی معارف و مفاهیم دیگری را در قالب اشاره هایی ظریف بیان نموده است

از جمله اشاره به سرگذشت امتهای پیشین ، اسرار آفرینش ، سیر تکوین جسم و جان آدمی ، دستیابی به این اشارات در گرو بررسی عالمانه آیات وحی می باشد.

تفسیر روشمند:

شناخت صحیح قرآن در گرو تفسیر روشمند است.

چنین تفسیری زمانی میسر است که مفسر شرایط لازم برای تفسیر برخوردار باشد.

و منابع تفسیر دارای اصالت و اعتبار لازم باشد.

بی توجهی به این موضوع باعث تفسیرهای جاهلانه شده است که از تفسیر خوارج و گروهک فرقان میتوان نام برد.

شرایط مفسر:

از مهمترین شرایط که مفسر باید دارا باشد میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آشنایی با زبان و ادبیات عربی:

آشنایی با این علم فهم زبان عربی را آسان می کند.

۲- شناخت اسباب نزول:

منظور حوادثی است که در عصر نزول رخ داده و به تناسب آن آیاتی نازل شده است.

۳- آگاهی از سنت و سیره پیامبر:

سنت مرجع آگاهی و شناخت از جزییات و احکام تفصیلی بسیاری از واجبات میباشد.

بسیاری از احکام نماز، روزه، زکات، از این قبیل هستند.

۴- شناخت علوم:

۵- پرهیز از پیش داوری:

یعنی ذهن مفسر مملو از آرا و نظرات و دیدگاه های دیگر نباشد. چون نظرات قبلی راه را برای رسیدن به

معنی واقعی مسدود می سازد.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

۶- جامع نگری:

یعنی قرآن کلام واحدی است که خداوند جهت هدایت آدمیان به تدریج با رعایت مصالح امت در اختیار قرار داده است برای راهیابی صحیح به مقاصد برخی آیات باید از سایر آیات نیز آگاهی و اشراف کامل داشت یعنی نگرش کامل به قرآن.

۷- آگاهی از آثار پیشینیان:

یعنی مفسر از تفاسیر پیشینیان آگاه باشد و با نگرش همه جانبه به تفسیر روی آورد.

و نه اینکه تفسیر پیشینیان را قبول کند.

۸- آگاهی از علم منطق:

از آنجایی که تفسیر، مبتنی بر اندیشه ورزی در کلام خداوند است مفسر باید به فراگیری علم منطق و هر علم دیگری که فکر و اندیشه را از خطا در امان نگه میدارد بپردازد. آگاهی از این علوم مفسر را در برداشت صحیح و مبتنی بر قواعد علمی یاری می نماید.

۹- آگاهی از سایر علوم:

آگاهی از دیگر علوم مفسر را در فهم دقیق کمک می کند.

بسیاری از آیات نیز مومنان را به مطالعه طبیعت و موجودات فرا خوانده است.

۱۰- رعایت دور اندیشی و احتیاط معقول:

باتوجه به وسعت و ژرفای وحی آسمانی دقت و احتیاط معقولی را می طلبد.

تفسیر به رای:

در صورتی که مفسر دارای شرایط نباشد و منابع سه گانه را مرجع قرار ندهد نباید تفسیر او را تفسیر ضابطه مند قبول کرد. و اندیشمندان آنرا به تفسیر به رای خوانده اند.

تفسیر به رای نظر و عقیده شخصی مفسر میباشد که معیارها در آن رعایت نشده است.

عمده ترین عوامل تفسیر به رای:

۱- تکیه به حدس و گمان

۲- گرایش و حب و بغض های شخصی و فرقه ای مذهبی و کلامی

۳- علم زدگی و تکیه بر فرضیه های علمی بدون توجه به اصول ، شرایط و قوائد تفسیر صحیح قران

بخش دوم: معارفی از قرآن

فصل اول: خدا در قرآن

هر یک از کتب آسمانی در آیات خود سیمای ویژه ای از خداوند به دست میدهد که شناخت آن ، نقش بسیار مهمی در فهم دیگر معارف دینی و میزان تعهد به دستور های الهی دارد .کامل ترین سیمای خداوند در قرآن ظهور یافته است ، قرآن ظرف تجلی کامل اسما و صفات پروردگار است .

اسما و صفات خداوند در یک نگاه:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا : و نامهای نیکو به خداوند اختصاص دارد پس او را با آنها بخوانید.

قرآن و روایت خداوند را دارای نام های نیک دانسته اند نام هایی که بیانگر صفات اویند آیهء ذکر شده نام های نیک را تنها از آن خداوند می داند اینکه اسماء حسنی مخصوص خداوند است ، تنها از این روست که اسماء او حاکی از کمالات اوست کمال حقیقی از آن خداوند است.

در برخی از روایات اسلامی برای خداوند 99 اسم و صفت نام برده شده است (منابعی دیگر 1000 اسم گفته شده است).

الله: ذاتی که جامعه همه کمالات است و آن کمالات را بطور مطلق دارد.

رائی : بیننده و آگاه

ذاری : اظهار کننده و به معنای خالق

دیان : جزا دهنده

مهیمن : گواه شاهد و حافظ

واسع : غنی و آگاه ، لطف کننده به دیگران

تفسیر برخی از صفات

در این بخش از میان صفات الهی چهار صفت خالقیت ، ربوبیت ، علم گسترده و قدرت بی پایان را تفسیر می کنیم.

الف (خالقیت:

در واقع باید برای هستی خالق تصور کرد که همه صفات والا ویژه او باشد صفاتی چون حی ، قادر ، علیم ، مرید ، حکیم، غفور ، هادی ، عادل و رحیم . این خالق بیش از دارا بودن این صفات کمال ، باید هستی او موقتی نباشد بدین معنی که هستی از ذات او جدا نشود و فنا نپذیرد و عاریه ای نباشد .واژه خلق و مشتقاتش 261 بار در قرآن بکار رفته است.

خداوند آفریدگار هستی:

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ : بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

اقرء به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر است وقتی بکار می رود منظور شناخت خواص و آثار و ذات موجود است مثلاً هنگامی که حضرت آدم تمام اسم ها را فرا گرفت علاوه بر یادگیری نام موجودات با خواص ، آثار ، صفات و ویژگی های آنها نیز معرفت یافت . رب نیز به معنای اصلاح گر و نعمت بخش است.

پروردگار دو عرصه دارد : تکوینی و تشریعی.

در ربوبیت تکوینی ، لوازم رشد طبیعی موجود تحت تربیت فراهم می شود اما در ربوبیت تشریعی ، قوانین و مقررات لازم برای تکامل موجود مختار دراختیارش نهاده می شود و او را تا رسیدن به شکوفایی راهنمایی می کند.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

آفریدگاری ، نقطه آغازین معرفت:

پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت مأمور شد تا پروردگارش را ((هستی آفرین)) بخواند . خداوند از آن حضرت می خواهد تا صفات پروردگار را بر مردم بخواند و بر خالقیتش نیز تکیه کند .قران در سوره حج می فرماید : کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز حتی مگسی را نمی آفرینند، هر چند برای آفریدن آن اجتماع کنند.

پردازش ، اندازه گیری و هدایت

آفریننده هستی ، اجزای هر موجود را در جایی قرار داده که بهتر از آن تصور نشود مثلاً در مورد انسان چشم ، گوش و هر عضو را در جایی قرارداده که اگر در جایی دیگر می نشست ، کارایی اش هرگز به این اندازه نبود .
(به این عمل تسویه می گویند)

عمل دیگر تقدیر است هر یک از موجودات صورتی خاص و سیر زندگی و رشد تکاملی ویژه ای دارند .این ویژگی ها همان تقدیر ها و اندازه گیری های هستی آفرین است.

و در سوره فرقان می فرماید : و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که در خور آن بوده اندازه گیری کرده است.

عمل سوم هدایت است : یعنی نشان دادن راه گذر از وضع موجود تا رسیدن به وضع مطلوب

در سوره طا فرموده است : پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که در خور اوست داده ، سپس آن را هدایت فرموده است.

نکاتی باید به آن توجه نمائیم:

۱- از نظر قران امکان شناخت آغاز هستی وجود دارد آن هم با سیر در آفاق و مطالعه در زمین که گاهواره موجودات است.

در سوره عنکبوت می فرماید : در زمین بنگرید و بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرده است.

۲- همه اقرار دارند که آفریدگار هستی خداوند است.

۳- از آیات قرآن می توان دریافت که مطالعه در خلقت و نظامهای حاکم بر جهان ، انسان را به بیهوده نبودن آفرینش رهنمون می سازد.

«آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم» «سوره انبیاء

ب) ربوبیت:

قرآن کریم خداوند را تنها پروردگار انسان و تمام موجودات عالم می داند واژه رب مشتقاتش 981 بار در قرآن آمده است. رب در لغت به معنای اصلاح شی اقدام به تأمین مصالح آن است قرآن خداوند را صاحب اختیاری مطلق و اصلاح گر کاملی ترسیم می کند که انسان و تمام موجودات را می پروراند.

مربی انسان کیست ؟

حضرت ابراهیم (ع) با درکی از ملکوت آسمان ها و زمین یافت ربوبیت بتها را باطل نمود ، وقتی چشمش به ستاره ای افتاد گفت (: هذا ربی) این پروردگار من است . آنگاه که غروب کرد گفت من غروب کنندگان را دوست ندارم (و همچنین ماه) و هنگامی که خورشید را دید گفت این پروردگار من است چون این بزرگتر است هنگامی که افول کرد گفت ای قوم من ف من از آنچه به خدا شریک می سازید بیزارم از نظر حضرت ابراهیم پروردگار باید چهار صفت داشته باشد:

۱- اثر بخش باشد.

۲- اثر بخشی او دائمی باشد.

۳- موجودات اثر پذیر در محضرش باشند.

۴- تأثیراتش بیشتر و عمیق تر از دیگران باشد.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

پروردگار انسان ، همان پروردگار هستی:

در حقیقت پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید جهان همان طور که حدویش نیازمند به خداوند است در تدبیر و اداره اش نیز وابسته به اوست.

حدوث برهان ابراهیم (ع) علیه نمرود:

نمرود گمان می کرد که قتل و حفظ جان مردم به دست خودش است و هنگامی که محکوم به مرگی را از کشتن نجات داد گفت من میتوانم بمیرانم یا زنده نگه دارم .اما برهان حضرت ابراهیم این بود که پروردگار من خورشید را از شرق آشکار می کند و در مغرب پنهان می کند در حالی که اگر تو به راستی پروردگار هستی خورشید را از مغرب بیرون آور.

و همچنین در مناظره حضرت موسی (ع) آمده است فرعون مدعی بود که او پروردگار و صاحب اختیار دیگران است اما موسی (ع) این ویژگی را خاص دانستند.

ج (دانش گسترده:

یکی از دیگر اوصاف خداوند علم و دانایی اوست قرآن کریم خداوند را آگاه به جزئیات امور و پدیده ها می داند و آگاه به گذشته و حال و آینده ، دنیا و آخرت ، غیب و شهادت ، ظاهر و باطن ، نیت و گفتار می داند علم خداوند به هر کس و هر چیز حتی از خود موجودات به آنها بیشتر است

-عالم محضر خداست:

در آغاز رسالت پیامبر (ص) ابوجهل با پیغمبر برخورد تنیدی داشت از این رو خداوند برای تسلی دادن به پیامبر اسلام و تهدید ابوجهل به خاطر آزارهایی که انجام می داد این آیه را نازل فرمود:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (مگر ندانسته که خدا می بیند؟)

خداوند ظاهر و باطن پدیده ها را آفرید و بر آنها آگاه است و قرآن به مطالب پنهان در سینه کفار و مشرکان اشاره می کند و می گوید خداوند به آنچه در سینه دارند دانا تر است و در جای دیگر می فرماید ((آیا کسی که آفریده است نمی داند؟)) با آنکه او خود باریک بین آگاه است.

فصل دوم: جهان های دیگر

این جهان با حواس ظاهری قابل درک است از همین رو در اصطلاح از آن به عالم شهود تعبیر می شود. اما جهان های دیگری هستند که با حواس ظاهری ملموس نیستند و از آنها به جهان غیب تعبیر می شود و شامل عوالم لاهوت، مجردات، ملکوت، برزخ و قیامت است.

انبیا و وحی های الهی راهنمایان جهان غیب بوده و حلقه اتصال میان مردم و غیب هستند.

۱- عالم لاهوت

یکی از عوالمی که به حکم برهان نیز ثابت گردیده عالم الوهیت است. یعنی ذات واجب الوجود مستمع جمیع صفات کمالی است که در آن مرتبه از وجود آنچه هست، یکی وجود اطلاقی است و بس. ذات پروردگار عظیم ترین عوالم است.

ارزش یقین به عالم لاهوت

یقین گرانبهاترین نعمتی است که خداوند به بندگان عنایت می کند. امام صادق (ع) می فرماید: "هیچ چیزی گرانبهاتر از یقین نیست".

از مهمترین آثار یقین به عالم لاهوت، بزرگ شدن خدا و کوچک شدن دیگران در دل است.

عبادت راه تحصیل یقین

رسیدن به مرحله یقین ثمره عبادت است و در پرتو آن به معاد و مسیری که دارد، اعتقاد راسخ یافته و از تردید رها می گردیم و سرنوشتمان به نیکی رقم می خورد.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

قرآن ویژگی قیامت را کنار رفتن پرده ها از جلوی چشم می داند. در سوره "ق" به انسان و وسوسه های درون سینه اش اشاره شده و اینکه دو ملک دائماً مراقب اعمال اویند. عبادت هر چه بیشتر و عمیق تر باشد، سرعت انتقال یقین بیشتر خواهد بود.

۲- عالم ملکوت

این عالم بالاتر از عالم ملک و طبیعت و پایین تر از عالم فرشتگان است. فلاسفه می گویند: این عالم از قوه، حرکت، زمان و مکان مجرد است اما از ابعاد مجرد نیست. بنابراین عالم ملکوت جسمانی است اما مادی نیست.

حضرت ابراهیم (ع) از مشاهده وضع خورشید، ماه و ستارگان و پی بردن به غروب آنها از مخلوق بودنشان آگاهی یافت و دانست که اینها تحت تدبیر و حکومت قدرتی فراتر از خود قرار دارند.

در اینکه حضرت ابراهیم (ع) در زمره اهل یقین قرار گیرد، مهمترین هدف نمایاندن حکومت خداوند بر آسمانها و زمین بوده است. نشان دادن آیات الهی توفیقی است تا انسانهای شایسته به مرحله یقین برسند.

۳- عالم برزخ

برزخ به معنی چیزی است که در میان دو شیء حایل شود. سپس این واژه بسط معنایی یافته، به هر امری اطلاق می شود که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد. در اینجا منظور از برزخ جهانی است که میان دنیا و عالم آخرت قرار دارد. وقتی روح از بدن جدا می شود، پیش از آنکه بار دیگر به بدن اصلی باز گردد، در عالمی که میان این دو عالم است و برزخ نامیده می شود، قرار خواهد گرفت.

برزخ، مرگ تا بعثت

وقتی مرگ به سراغ کافران می آید، در این لحظه احساس می کنند به پایان همه لذت ها و فرصت ها رسیده اند و ازسویی چشم به آخرت باز کرده، صحنه های وحشت آور می بینند و متوجه نقش ایمان و بندگی خدا می شوند.

"قال رب ارجعون" در این هنگام به پروردگار استغاثه می کنند. استغاثه به نام پروردگار به معنی دانستن و شناختن مالک و صاحب اختیار امور انسان در این لحظات پر اضطراب است. در واقع مهمترین تقاضای آنان بازگشت به دنیا و دادن فرصت جبران است.

در تفسیر کنزالدقائق وصیت پیامبر(ص) به علی(ع) آمده است:

یا علی! تارک الزکاء یسئل الرجعتة الی الدنیا و ذالک قول الله عزوجل: حتی إذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون

ای علی! ترک کننده زکات، از خداوند تقاضای برگشت به دنیا را می کند و این همان قول خدای عزوجل است که فرمود: تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گویند: پروردگارا، مرا بازگردانید.

علت جمع آمدن کلمه «ارجعوا» به جهت تعظیم مخاطب (پروردگار) است.

مراد از برزخ عالم قبر یا عالم مثال است. عالمی که مردم در آن بعد از مرگ زندگی می کنند تا قیامت فرا رسد. امام صادق(ع) می فرماید: «قبر همان برزخ است».

در این عالم طبق برخی روایات ارواح بهشتیان در وادی السلام اند و ارواح کافران در وادی برهوت و در آن فرصت شفاعت وجود ندارد.

۴- عالم قیامت

ایمان به این عالم از اصول مسلمانی است - پس از توحید مهمترین اصلی است که قرآن از آن یاد کرده است. قرآن با هفت برهان فطرت، حکمت، عدالت، هدف و حرکت، رحمت، وحدت و بقاء روح وقوع قطعی معاد را به اثبات رسانده است. رست شفاعت وجود ندارد.

آثار زیانبار انکار جهان آخرت

یک. زینت اعمال و کوری باطن

ایمان نداشتن به آخرت سبب تزئین اعمال بد انسان در نظر آدمی می شود. آدمی در زندگی دنیا تمام همتش برای رسیدن به سعادت است و ای میسور نیست مگر آنکه راه حق را بپیماید.

کسی که قیامت را باور نکند، به سعادت و رستگاری حقیقی نیز که تنها در آن جهان محقق می شود ایمان نمی آورد و در نتیجه تنها برای رسیدن به سعادت های توهمی در دنیا می کوشد سعادت هایی که در واقع چیزی جز لذت نیست.

اینکه این دلخوشی ها و زینت یافتن به خدا نسبت داده شده، کنایه از آن است که نظام حکیمانه الهی چنین اقتضایی دارد. یعنی انسان در نظام هستی به گونه ای آفریده شده که به عقاید و آرمان هایش وابسته است، به گونه ای اعمالش را در چارچوب آن آرمان ها، زشت و زیبا می بیند.

دو. عدم فهم عمیق و بی علاقه به شنیدن معارف قرآن

آیه 17 سوره اسراء یکی از آثار مهم ایمان نداشتن به عالم آخرت را یادآور می شود: کسی که ایمان نداشته باشد، قدرت فهم عمیق قرآن را ندارد و در قدرت شنیداری اش نسبت به آیات قرآن نیز سنگینی است. کنایه از اینکه حوصله شنیدن آیات را ندارد.

سه. غوطه ور شدن در گناهان

کم فروشی در روابط اقتصادی از دیگر آثار ایمان نداشتن به قیامت است. قرآن در آغاز سوره مطففین به این اثر اشاره استفاده شده است یعنی گمان به روز « گمان و ظن » به روز رستاخیز، از واژه « علم » می کند و به جای استفاده از واژه رستاخیز تا انسان از چنین فسادى روی برتابد.

سستی و شانه خالی کردن از وظایف دینی، از جمله آثار ایمان نداشتن به آخرت می باشد که در قرآن بدان اشاره شده است.

برخی از تأثیرات یادآوری خانه آخرت

دستیابی به مقام اخلاص

خالص یعنی عاری از عیب و آلودگی، و حقیقت اخلاص نیز بیزاری و دوری جستن از هر چیز غیر از خداست. یاد دائمی خانه آخرت موجب می شود انسان به مقام اخلاص برسد و اخلاص نیز سبب می گردد در راه انجام وظایف الهی، قدرتمند، استوار و صاحب بصیرت شوند.

استقامت و انجام عمل صالح

ایمان به روز جزا در استقامت انسان و انجام اعمال صالح نیز مؤثر است. در آیه « الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ » برخی از مفسران گفته اند منظور از 2 سوره بقره گروه خالصی است که به ملاقات خدا و ثواب او پس از مرگ یقین داشتند.

فصل سوم: اهداف آفرینش

فصل چهارم: قرآن و علم

فصل پنجم: قرآن و بهداشت روانی

فصل ششم: سنتهای الهی

فصل هفتم: ازدواج

ازدواج شیرین ترین و پرخطرترین رخ داد دوران حیاط هر شخص است. دختر یا پسر با ازدواج کردن، هم به نیازهای غریزی خود پاسخ میدهند و هم یک همنشینی پیدا می کند که شادی ها و موفقیت های خود را با او تقسیم کند و در سختی ها به او پناه آورد. همسران با یکدیگر و با تلاش، به استقلال مالی می رسند و با داشتن فرزندان سالم خود را از نعمت های دنیا و آخرت بهره مند می سازند.

در اینجا ما به 2 سوال می خواهیم پاسخ دهیم:

پدیده ازدواج چیست؟

ویژگی همسر مشترک کدام است؟

جایگاه و ثمرات ازدواج از منظر قرآن و روایات:

با توجه به آیات قرآن، مشخص می شود که آفرینش حوا با فاصله کوتاهی پس از آفرینش آدم بوده و این نیاز غریزی و فطری انسان را به داشتن همسر بیان میکند و خداوند ازدواج کردن را از نعمت های خود شمرده است. همچنین با توجه به آیات قرآن، داشتن فرزند هم یک نیاز عاطفی برای انسان است و هم باعث تکثیر و بقای نسل آدمی می شود.

آیه 21 سوره روم بیان می دارد:

۱- وجود همسر از نشانه های قدرت و مهر خدا به بندگان است.

۲- زن و مرد از یک گوهر آفریده شده اند.

۳- خدا هم برای مردان هم برای زنان، همسرانی از جنس خودشان قرار داده است.

۴- با ازدواج کردن انسان به آرامش می رسد.

۵- یک عمر با هم زندگی کردن و در شادی ها و غم ها شریک یکدیگر بودن، محبت و همدلی خاصی را می خواهد که خیلی فراتر از محبت های رایج میان دوستان است. بنابراین خداوند چنین محبت و پیوند قلبی را میان دل های زن و مرد ایجاد کرده است.

در مورد تفاوت مودت و رحمت باید گفت:

رحمت: مهر باطنی و قلبی است.

مودت: اثری است که در نتیجه آن مهر قلبی بر زبان یا رفتار ظاهر می شود. یعنی خداوند در دل و در زبان و رفتار شما مهر و ملاطفت نسبت به یکدیگر را قرار داده است. بنابراین خداوند ازدواج را به عنوان یک سنت رایج میان همه ی پیامبران نیز قرار داده است و تناقضی بین اقتضاعات بشری و رسیدن به مقام پیامبری وجود ندارد.

اسلام و تشویق به ازدواج:

در اسلام برای تسریع در ازدواج تشویق های فراوانی شده است. سوره نور در این مورد به والدین میفرماید: فرزندان و کنیزان و غلامان صالح خود را همسر دهید و اگر تنگ دست هم باشند خداوند آنان را بی نیاز خواهد کرد.

چند نکته درباره این آیه:

وانكحوا الایامی منكم والصالحین من عبادكم و امائكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم ولیستغفف الذین لایجدون نکاحا.

1- دستور به والدین برای ازدواج فرزندان پس از این دستورات آمده که: زنان و مردان چشم خود را از حرام بیوشانند و زنان زینتهای خود را آشکار نکنند، روسری بر سرکنند و اگر کسی امکان ازدواج ندارد پاکدامنی

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

خود را حفظ کند: یعنی دعو مردان و زنان مؤمن به عفت چشم و دامن، و مبارزه با خواهش ها و امیال نفسانی دعوت زنان برای حفظ پوشش و پرهیز از زینت گرایی، دستور به والدین برای مهیا ساختن زمینه های ازدواج و نترسیدن از فقر و حفظ پاکدامنی برای جوانانی که زمینه ازدواج برای آنان فراهم نیست.

بنابراین نتیجه میگیریم که اسلام با سرکوب غرایز جنسی مخالف است.

۲- علت این که در این آیه از والدین خواسته شده تا زمینه ازدواج را فراهم کنند این است که:

جوانان به دلیل مشکلات مالی و به دلیل شرم و حیا عموماً مستقیم اقدام به ازدواج نمیکنند البته آماده سازی زمینه برای ازدواج جوانان را حکومت اسلامی نیز می تواند انجام دهد.

۳- از این آیه چنین برمی آید که مهمترین علل بازدارنده ازدواج برای جوانان، ترس از فقر و تنگدستی است.

در روایات آمده است کسی که دلیل ترس از فقر و تنگدستی ازدواج میکند دچار سوء ظن به خدا شده است.

در روایات نیز همسو با قرآن به ازدواج پافشاری شده؛ مانند:

۱- ازدواج سنت پیامبر (ص) است و رویگردی از آن نیز رویگردی از سنت آن حضرت است.

۲- محبوب ترین و محکم ترین بنیاد در اسلام ازدواج است.

۳- با ازدواج دین کامل میشود؛ نصف دین تقوا و نصف دیگر آن ازدواج است به همین خاطر عبادت فرد متاهل به مجرد ارجع است.

۴- از ترک ازدواج به دلیل ترس از فقر نهی شده و ازدواج زمینه کسب روزی بیشتر است.

۵- کسی که مجرد مانده و پاسخی معقول و منطقی برای نیازهای غریزی ندارد بیشتر در معرض آفات و انحرافات اخلاق و رفتار قرار می گیرد و کس که تا لحظه مرگ مجرد باشد از بدترین مردگان است.

۶- دختران مانند میوه های درختان می باشند که باید در زمان مناسب چیده شوند از این رو به تعجیل در ازدواج در سنین جوانی توصیه شده.

۷- برای کسانی که زمینه ازدواج جوانان را فراهم میسازند پاداش های اخروی وعده داده شده است.

تفکر رهبانی ترک ازدواج:

تا اینجا به این نتیجه میرسیم که اسلام با غریزه جنسی برخوردی منطقی دارد و با توجه به حکمت خداوند در پیشبینی آن، ازدواج را بهترین پاسخ به این غریزه میداند. اما درمقابل برخورد اسلام با غریزه جنسی تفکر رهبانیت و ترک ازدواج نیز بوده و هست.

در تفکر رهبانی، زن مظهر دنیا دوستی و دنیا گرایی است و تنها راه رهایی از دنیا گرایی را فاصله گرفتن از زن می داند.

این تفکر حتی زن را موجودی پلید میشناسد یعنی زن انسان کامل نیست بلکه برزخی است بین انسان و حیوان و هیچ گاه زن به بهشت راه نخواهد یافت. در میان ادیان آسمانی، دین مسیحیت کنونی -که دچار تحریف شده به ترک دنیا و ترک ازدواج گرایش نشان داده است. رهبانیت به کار منسوب به راهب ها را گویند و راهب کسی است که به مرتبه حذف و ترس از خدا رسیده است. رهبانیتی که از نظر قرآن نصرانیان ساخته اند ((:تکالیفی است که فراتر از حد واجب بر خود لازم نمیکرده اند))، امرئزه روحانیان مسیحی اعم از کشیش ها و راهبه ها به ادعای خود با پیروی از عیسی (ع) ازدواج را به خود حرام دانسته و در تمام عمر مجرد می مانند.

مقایسه میان تفکر رهبانی و نگاه اسلام به ازدواج:

ادیان غیر آسمانی دستخوش تحریف، تصویر نامناسبی از زن و ازدواج دارند در حالیکه اسلام ارزش و جایگاه والایی برای زن و ازدواج قائل شده است که این مبنا بر اصالت و آسمانی بودن دین اسلام است.

خلاصه تفسیر موضوعی قرآن (جمعی از نویسندگان)

بر اساس روایات اسلامی، محبت و عشق به زنان از جمله اخلاق پیامبران است حضرت پیامبر (ص) زنان را خیلی محبوب می دانستند. از گفتار پیامبر (ص) چنین برمی آید که ترک ازدواج به بهانه رهبانیت از سوی کشیشان و راهبان در دوران ایشان بوده است.

ویژگیهای همسر شایسته از نگاه قرآن:

از آیات قرآن این ویژگی ها برای همسر شایسته استنباط شده:

۱- ایمان و خدا باوری

۲- عفت و پاکدامنی

۳- نیک خلقی

۴- برخورداری از فضایل اخلاقی

۱- ایمان و خدا باوری :

در فرهنگ و آموزه های قرآن، همواره ایمان بر تمام ارزشهای مادی ترجیح داده شده است، افراد متکبر ثروت و جایگاه اجتماعی را ارزش انسانی و مایه فخر و مباهات می دانستند در حالیکه در قرآن تاکید شده که پیامبران عموماً از انسان های متوسط و یا فقیر انتخاب شده اند و مشرکان به این نکته اعتراض داشتند که چرا قرآن به افراد ثروتمند و نام آور نازل نشده است، پیامبران ملزم شدند از پیروان خود در برابر طعنه کافران حمایت کنند و سوره عبس برای هشدار به کسانی که مستمندان را به خاطر فقر تحقیر میکردند فرود آمد بر این اساس خداوند ایمان را مهمتر از هر ارزش مادی دیگر از جمله زیبایی دانسته است. خداوند در سوره بقره شرط ازدواج با مشرکان را ایمان دانسته است در این آیه ازدواج پسران و دختران مسلمان آزاد با دختران و پسران آزاد مشرک نهی شده اگر مردی مسلمان و آزاد با کنیز مؤمنی ازدواج کند بهتر از ازدواج با دختری آزاد و زیبا اما فاقد ایمان است یعنی ایمان و خدا باوری و یکتا پرستی را بر آزاد و زیبا بودن ارجعیت داده است.

۲- عفت و پاکدامنی :

خداوند یکی از ویژگی های همسران بهشتی را طهارت و پاکی آنان دانسته است؛ سهم طهارت جسمی و سهم طهارت روحی بدون شک یکی از بنیادی ترین ارکان حفظ و ماندگاری بنای خانواده، عقیف بودن همسران به ویژه زن قبل و بعد از ازدواج است.

عفت و پاکدامنی مردان در حفظ و ماندگاری و دل سپردن زن به حری و حرمت خانواده تاثیر مهمی دارد . طبق آیه 26 سوره نور، زنان پلید و مردان پلید شایسته یکدیگرند .اما در برابر، زنان و مردان پاک نیز مناسب یکدیگرند.

۳- نیک خلقی

اخلاق نیک و خوش خلقی مانند روغنی است که از فرسودگی قطعات انسانی در اثر اصطکاک و برخورد جلوگیری میکند .زن و شوهر یکدیگر را در کنار هم در سراسر زندگی نظاره گر هستند اگر یکی یا هر دوی آنها خوش خلق نباشند زندگیشان خیلی زود به جدایی می انجامد .اگر بد رفتاری و سوء خلق، لحظه دار باشد و ملکه نشده باشد، قابل تحمل است اما اگر بداخلاقی صفت ماندگار نفسانی فرد شده باشد مقابله با آن دشوار است .بنابراین بهترین راه انتخاب همسری خوش خلق در آغاز راه ازدواج است.

۴- برخورداری از فضایل اخلاقی:

فصل هشتم:روابط خانوادگی

فصل نهم :روابط اجتماعی